

نشریه ادبیات تطبیقی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ۶، شماره ۱۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مضامین مرثیه صباحی بیدگلی و شریف رضی

"مطالعه مورد پژوهانه، مرثیه امام حسین (ع)" (علمی - پژوهشی)*

دکتر محمد نبی احمدی

استادیار دانشگاه رازی

حدیث دارابی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه رازی

چکیده

شاعران بی شماری به انعکاس واقعه عاشورا در اشعار خود پرداخته‌اند و هریک بر اساس ذوق و سلیقه خود، یکی از جنبه‌های این واقعه را به تصویر کشیده‌اند. از جمله این شاعران "صبحاحی بیدگلی" و "شریف رضی" هستند. صباحی شاعر قرن ۱۲ ه.ق و از شاعران دوره بازگشت ادبی است که دارای ترکیب‌بند مشهوری در رثای امام حسین (ع) است. این ترکیب‌بند به پیروی از محتشم کاشانی سروده شده و بر تمامی ترکیب‌بندهایی که بعد از آن سروده شده برتری دارد. همچنین شریف رضی از شاعران قرن ۴ ه.ق است و اشعار زیادی را در رثای امام حسین (ع) سروده است. یکی از قصاید او که در رثای امام حسین (ع) است، با عنوان «کربلا لازلت کرباً و بلا» دارای شهرت فراوانی است. این دو شاعر، به مضامین یکسانی در مرثیه‌های خود اشاره کرده‌اند و مضامینی را چون: تشنگی، اسارت، سوگواری، شأن و منزلت امام، بی‌حرمتی به ایشان و ... در اشعار خود منعکس کرده‌اند. همچنین این دو شاعر، به جای اشاره به دلایل قیام امام حسین (ع) و شجاعت آن حضرت، به

انعکاس مظلومیت‌های آن امام اشاره کرده‌اند. در این مقاله به بررسی تطبیقی مضامین فوق‌در مرثیاتی این دو شاعر پرداخته می‌شود.

واژه‌های کلیدی: صباحی بیدگلی، شریف رضی، مضامین مرثیه، امام حسین(ع).

۱- مقدمه

شاعران شیعه مذهب در تمام دوره‌ها با اشاره به واقعه عاشورا، ادبیات متمایزی را خلق کرده‌اند و در پرتوی این تلاش، اصطلاحات و گفتارهای زیبایی را با محوریت عشق، فداکاری و ایثار، نشانگر خاص این حادثه قرار داده‌اند. این شاعران در توصیف واقعه عاشورا و حادثه کربلا بیشتر به اهداف اصلی و آرمان‌خواهانه امام حسین(ع) به‌ویژه امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرده و پیرامون آن شعر سروده‌اند، اما شاعران و ادیبان دیگر بیشتر به ذکر مصائب و سختی‌های این جریان پرداخته‌اند. از جمله این شاعران صباحی بیدگلی و شریف رضی هستند.

۱-۱- بیان مسئله

حادثه شهادت امام حسین(ع) اگر چه در محیطی عربی اتفاق افتاد و قهرمانان آن، شخصیت‌های عربی هستند، ولی سالار شهیدان شخصیتی فراملّیتی است. مصیبت‌ها و شهادت آن حضرت، احساسات و عواطف دیگر ملت‌های آزادی‌خواه جهان را در بزرگداشت و سوگ‌سراییی آن حضرت برانگیخته است. این نوشتار با نگاهی به زندگی‌نامه و درون‌مایه مرثیه آن دو شاعر، مضامین مشترک و تفاوت نگاه آن دو را مورد بازخوانی قرار می‌دهد.

۱-۲- پیشینه پژوهش و ضرورت تحقیق

پیش از پرداختن به زندگی‌نامه این دو شاعر به مطالعاتی که در این زمینه صورت گرفته اشاره می‌شود: لطف (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مقایسه‌ای مضامین مرثیه در دیوان شریف رضی و محتشم کاشانی» به بررسی مضامین مشترک در

اشعار هر دو شاعر پرداخته است؛ محسنی نیا و پور یزدان پناه کرمانی (۱۳۸۸) «مرثیه سرایی در ادب فارسی و عربی با تکیه بر مقایسه ابوالحسن تهامی و مرثیه خاقانی شروانی»؛ آل بویه لنگرودی و انصاری (۱۳۸۹) «سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی»؛ ازدر فایقی (۱۳۸۹) «دعبل و محتشم، سرآمد مرثیه سرایان» مضامین مختلف مرثیه را در دیوان شریف رضی با شاعران مختلف فارسی مورد بررسی و مطالعه قرار داده‌اند، اما تا به حال در مورد صباحی بیدگلی و مقایسه اشعار او با شاعران عرب، پژوهشی صورت نگرفته است.

۲- بحث

۲-۱- حاجی سلیمان صباحی بیدگلی

حاجی سلیمان صباحی بیدگلی (وفات ۱۲۰۷) در بیدگل کاشان به دنیا آمد. سید عبداللطیف خان شوشتری در تحفه العالم در وصف او این گونه آورده: «حاج سلیمان صباحی بیدگلی، در شاعری قدوه امثال و به معارف ذوقی خبیر و در سخنوری و سخن سنجی، بی نظیر، شیرین مقال و در قصاید و تاریخ و صنعت لف و نشر مرتب و قطعه بندی بی نظیر بوده، در اشعار عاشقانه با اعظم شعراء هم صفیر و قصایدی در مدح ائمه هدی دارد و نیز مرثیه نیکویی در رثای سیدالشهداء، در جواب مولانا کاشی دارد و دیوانش به قدر چهار هزار بیت به یادگار است. هیچ گاه گرد مشاغل دیوانی نگشته و جزء حواشی بزرگان وقت در نیامده و دائم در همان قریه بیدگل به کار خود مشغول بوده است» (بیضایی، ۱۳۳۸: ۳ و ۴).

او در شعر به سبک شعرای عراقی، سخن می گوید و چنان که جمعی از ارباب تحقیق و صاحبان تذکره نوشته‌اند، او یکی از ارکان تجدید شیوه فصحای متقدمین بعد از زمان صفویه است. در قصاید دارای طرزی خاص و در غزلیات او لطف و سوز و سادگی مخصوصی دیده می شود که او را از معاصرینش ممتاز می سازد. استادی صباحی آنجا بروز می کند که به ساختن ماده تاریخ پردازد (همان: ۵).

۲-۲- ترکیب بند رثای امام حسین(ع)

وی ترکیب‌بند «رثای امام حسین(ع)» را به تقلید از محتشم کاشانی سروده است و بر تمام ترکیب‌بندهایی که بعد از محتشم و به پیروی از او به رشته تحریر درآمده‌اند مزیت دارد (نک: بیضایی، ۱۳۳۸: ۵). این ترکیب‌بند دارای چهارده بند و تعداد صد و چهارده بیت است. احتمالاً تعداد ابیات آن به قصد تیمن و تبرک به تعداد سوره‌های قرآن و تعداد بندهای آن اشاره به تعداد معصومین(ع) دارد. در این ترکیب‌بند، واقعه عاشورا را به زیبایی در اشعارش منعکس کرده است و از مضامینی چون: تشنگی، اسارت، علم امام حسین(ع)، مقام و منزلت آن حضرت، مؤاخذه قاتلان، بی‌حرمتی به امام و اهل بیت او استفاده کرده است.

۲-۳- شریف رضی

محمد بن حسین، معروف به شریف رضی، نسبش به علی بن ابی طالب(ع) می‌رسد. سال ۳۵۹ ه.ق در بغداد متولد شد و در همان جا پرورش یافت و نزد استادان و علمای آن دیار به تحصیل علوم پرداخت. پدرش در بغداد رئیس مذهب علویان بود (مبارک، ۱۹۳۸: ۱۷). پس از مدتی در همه علوم عصر خویش سرآمد شد و در پانزده سالگی سرودن شعر را با مهارت شروع کرد (یوسف نورالدین، ۱۹۵۶: ۲۷۱). لقب شریف رضی را رئیس دولت آل بویه، به مناسبت جانشینی او بر منصب پدر یعنی «رئیس العلویین» به او عطا کرد. سرانجام سال ۴۰۶ ه.ق در بغداد درگذشت (فروخ، ۳/۳۰۶: ۶۰۲). او در شاعری بسیار توانمند ظاهر شد، شعری روان و متین دارد. در اکثر فنون شعری چون: رثا، حماسه، فخر و غزل عقیف دستی توانا دارد (عباس، ۱۹۵۹: ۲۷). اشعار شریف رضی به چند دسته تقسیم می‌شود: حجازیات، شیعیات، رثائیات و فخریات؛ اما بهترین اشعار دیوان او، مرثیه‌هایی است که برای امام حسین(ع) سروده است؛ این مرثی شامل پنج قصیده طولانی است که در آنها از عظمت و کرامت شهادت آن امام و انتقام از قاتلان او سخن گفته است. کلام او در مرثی امام حسین(ع) اندوهناک و در عین حال حکیمانه است (فاخوری، ۱۳۸۵: ۶۷۰). علاوه بر دیوان اشعار دارای کتاب‌هایی چون: معانی القرآن، مجازالقرآن و از

همه مهم‌تر نهج‌البلاغه است که شهرت اصلی او نیز در میان شیعیان به دلیل جمع-آوری این سخنان گهربار است. وی قصیده‌ای در رثای امام حسین (ع) دارد. این قصیده با عنوان «کربلا لازلّت کرباً و بلا» دارای ۶۲ بیت و در بحر رمل تام است. او نیز به مضامینی چون: تشنگی، اسارت، سوگواری، روزگار و چرخ، مقام و منزلت امام حسین (ع) اشاره کرده است.

۲-۴- مضامین مرثیه صباحی بیدگلی و شریف رضی

۲-۴-۱- تشنگی امام حسین (ع)

ظالمانه‌ترین حرکت دشمنان علیه خاندان نبی (ص) که ماندگارترین اثرستم و جفا در تاریخ گذاشته است، بستن آب بر روی اهل بیت پیامبر (ص) است. صحرایی داغ و عطش کودکانی که نغمه حزین "واعطشایشان" تیزتک‌تر از سنان و پیکان آبدار، قلب فرزند رسول (ص) را می‌شکافت. این واقعه، دلالت بر اوج مظلومیت امام (ع) و همراهان آن حضرت دارد و اوج شقاوت دشمنان را نشان می‌دهد. صباحی در بند چهارم، زمانی که صحبت امام حسین (ع) را با سپاهیان دشمن که با مضامینی چون: یادآوری خویشاوندی با پیامبر (ص) و بی‌حرمتی سپاه دشمن به اهل بیت آن حضرت را به تصویر می‌کشد؛ در پایان ترکیب‌بند به شهادت امام حسین (ع) در اثر تشنگی اشاره می‌کند:

ما را چو نیست دست مکافات، داد ما / گیرد ز خصم، حکم حق و غیرت نبی //

بس گفت این حدیث و جوابش کسی نداد / لب تشنه غرق خون شد و آتش کسی نداد //

چون تشنگی عنان ز کف شاه دین گرفت / از پشت زین قرار به روی زمین گرفت

(صباحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۲/۳۲ تا ۴۳).

در بیتی دیگر، صباحی برای نشان دادن شدت عطش امام (ع)، از یک تشبیه بلیغ و مبالغه استفاده کرده و لبان مبارک آن حضرت را به غنچه‌ای تشبیه کرده که از

شدت تشنگی پژمرده شده و در مقابل به دلیل خون فراوانی که از آن حضرت جاری شده، تمام خس و خاشاک کربلا سیراب شده است:

پژمرد غنچه لب گلگونش از عطش / و ز خونش آب خورده خس و خار کربلا
(صبحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۲/۱۶۱)

در بند آخر ترکیب‌بند، صباحی نهایت حسرت خود را از تشنه لب شهید شدن امام حسین (ع)، در قالب نفرین این گونه بیان می‌کند:

لب تشنه شد شهید، جگر گوشه رسول / هر جا که چشمه‌ای ست، به عالم سراب باد
(همان: ۱۱۰ / ۱۶۸)

شریف رضی معتقد است که کربلا تنها مکانی است که میهمانان آن در حالی که در جوار آب هستند، با شمشیر و تیر و نیزه سیراب می‌شوند:

لَمْ يَذُوقُوا الْمَاءَ حَتَّى اجْتَمَعُوا / بِحِدَى السَّيْفِ عَلَى وَرْدِ الرَّدَى (شریف رضی، ۱۳۶۴: ۶ / ۴۲) (آب نچشیدند تا آن‌گاه که با شمشیر رانده شدند و بر آبشخور مرگ گرد آمدند..)

۲-۴-۲- اسارت

پس از شهادت امام حسین (ع) و شهید شدن یاوران آن حضرت، افراد باقی مانده از کاروان آن حضرت که بیشتر شامل، زنان و کودکان بود؛ از کوفه به سوی شام رهسپار شدند. مصیبت‌ها و سختی‌هایی که این کاروان در شام مشاهده کردند بسیار سخت‌تر و جان‌گدازتر از وقایعی بود که در کربلا شاهد آن بودند. صباحی ورود این کاروان به شام را، این گونه به تصویر می‌کشد:

شد تازه چون مصیبت‌شان از ورود شام / از شهر شام خاست عیان، رستخیز عام // ناکرده
فرق آل نبی را ز مشرکان / افتاده اهل شهر در اندیشه‌های خام // داد این نشان به بردگی،
کاین مرا کنیز / کرد آن طمع به تاجوری، کاین مرا غلام (صبحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۷ / ۹۰ تا ۹۲).

در جای دیگر از این ترکیب‌بند، صباحی اهل بیت پیامبر(ص) را که شایسته سروری و کامروایی می‌باشند، اسیر و در مقابل، آل زیاد را در آسایش و راحتی به تصویر می‌کشد:

آل نبی غریب و به دست ستم اسیر / آل زیاد کامروا در وطن دریغ

(صباحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۶/۷۸)

شریف رضی در چند بیت که سختی‌ها و مصائب اهل بیت امام حسین(ع) را برای پیامبر(ص) بازگو می‌کند، تصویر اسارت زنان و کودکان را این گونه به تصویر می‌کشد:

ومسوق عاثر یسعی به / خلف محمول علی غیر وطا // متعب یشکوا ذی السیر
 علی / نَقَبِ الْمَنَسِمِ، مَجْزُولِ الْمَطَا (شریف رضی، ۱۳۶۴: ۱۳/۴۲ و ۱۴)
 جزروا جزر الاضحی نسله / ثُمَّ سَأَفُوا أَهْلَهُ سَوَقَ الْإِمَا // معجلات لایوارین
 ضحی / سنن الوجه أو بیض الطلی // هاتفات برسول الله فی / بُهْرِ السَّعِي، وَعَثْرَاتِ
 الْخُطَى // / یَوْمَ لَا كِسْرَ حِجَابٍ مَانِعٍ / بذله العین و لا ظل خبا (همان / ۱۸ تا ۲۱) و
 یا رانده شده افتان و خیزان‌اند که در پی (اسیری) بر پشت شتر، روی زمین ناهموار
 دوایده شده‌اند // یا خستگانند که از رنج رهنوردی بر پشت شتری کوهان بریده،
 درد می‌کشند. // فرزنداناش را همانند گوسفند سر بریدند و خانواده‌اش را مانند
 کنیزکان (به اسارت) راندند، // در حالی که از دویدن فراوان، نفس نفس زنان و تلو
 تلو خوران، پیامبر خدا را بانگ می‌زدند. // در روزی که نه دامنه پرده‌ای و پوششی
 بود تا از نمایان شدن زنان (در چشم بیگانگان) جلوگیری کند و نه سایه چادری.

در طول تاریخ، شاعران پیرامون شهادت امام حسین (ع) دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوتی داشته‌اند. عده‌ای چرخ فلک و روزگار را علت و مسئول شهادت امام حسین (ع) دانسته‌اند. باید گفت که این عقیده از سوی حکومت‌ها و بر اساس منافع و حفظ قدرت ترویج شد تا با اندیشه‌های جبرگرایی، ظلم و ستیز خویش را توجیه کنند (سبحانی، ۱۳۶۱: ۱۰۷ و ۱۰۸). صباحی نیز همچون شاعران دیگر از جمله محتشم، علت شهید شدن امام حسین (ع) را روزگار و چرخ می‌داند:

عریان تن حسین و به تاراج داد چرخ/ پیراهنی که فاطمه‌اش رشت، پود و تار

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۳/۴۵)

در بیتی دیگر صباحی، چرخ را عامل خون‌آلود شدن کربلا می‌داند. او با بهره‌گیری از استعاره مکنیه، چرخ را همچون انسانی می‌داند که با دستش همه جا را به خون رنگین کرده است:

گویم چه سرگذشت شهیدان که دست چرخ/ از خون نوشته بر در و دیوار کربلا

(همان: ۱۶/۱۶۱)

در بیت زیر صباحی با یک تشبیه بلیغ و مراعات‌النظیری که تلمیح به داستان حضرت یوسف دارد، چرخ و روزگار را همچون گرگی می‌داند که باعث خون‌آلود شدن پیراهن امام حسین (ع) و در نهایت شهادت آن حضرت شده است:

شیر خدا به خواب خوش و کرده گرگ چرخ/ رنگین به خون یوسف من پیرهن دریغ

(همان: ۱۶۶/۷۶)

شریف رضی نیز همانند بسیاری از شعرا و نویسندگان، معتقد است که روزگار (چرخ) در شهادت حسین بن علی (ع) نقش داشته است؛ بنابراین می‌گوید:

خورشید (روزگار) خورشیدهایی از آنان (شهیدان کربلا) را محو کرد و پوشاند (به شهادت رساند) که خود به پایه و مقام آنها از لحاظ نور و بلندی نمی‌رسد:

تکسِفُ الشَّمْسُ شُمُوساً مِنْهُمْ/ لَأَتَدَايِنَهَا ضِيَاءٌ وَعَلَى// غَيْرَتَهُنَّ اللَّيَالِي، وَعَدَا/

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۷/۴۲ و ۱۰)

جَايِرَ الْحُكْمِ عَلَيْهِنَّ الْبَلِي

(خورشید، خورشیدهایی را از آنان ناپدید کرد که در پرتوافشانی و بلندپایگاهی، توان نزدیک شدن به آنها را نداشت. // گذشت روزگار آنان را دگرگون ساخت و فرسودگی، بر آنان داوری ستمگر گردید.)

۲-۴-۴-سوگواری

اوج ایمان و اخلاص و عظمت امام حسین (ع) و یارانش از یک سو و عمق فاجعه دردناک کربلا از سویی دیگر موجب سوگواری افراد و پدیده‌های مختلف برای آن حضرت شده است:

۲-۴-۴-۱-سوگواری انبیا

شدت دردناکی و تأثر از فاجعه کربلا به اندازه‌ای است که حتی انبیای الهی نیز برای آن حضرت به گریه و مویه می‌پردازند:

گشتند انبیا همه گریان و بوالبشر / بر چشم‌تر، ز شرم نبی آستین گرفت
(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۳ / ۴۰)

۲-۴-۴-۲-سوگواری حضرت زهرا(س)

در بیت زیر شاعر «لاله گون عمامه» را برای امام حسین (ع) استعاره آورده، که با این استعاره هم اشاره به سر از تن جدای امام (ع) می‌کند و از طرف دیگر اشاره به نهایت بی‌حرمتی‌هایی دارد که به آن حضرت شده بود؛ به دلیل این مصائب، حضرت زهرا (س) در بهشت برین برای فرزندش به نشانه عزاداری، روسری سیاه پوشیده است:

این لاله گون عمامه که در خلد بهر او / معجر کبود ساخته زهرا، حسین تست
(همان: ۱۶۵ / ۶۴)

۲-۴-۴-۳-سوگواری حضرت زینب(س)

سوز و گدازها زمانی اوج می‌گیرد که حضرت زینب (س) به درد و دل با پیامبر (ص) می‌پردازد و ستم‌هایی را که این ظالمان به خاندان پیامبر روا داشته‌اند، بیان می‌کند:

این رفته سر به نیزه اعداء، حسین توست / وین مانده بر زمین تنِ تنها، حسین توست
(همان: ۱۶۴/۵۸)

در بیت زیر، شاعر آهو را برای امام حسین (ع) استعاره آورده است. دلیل این استفاده آن است که آهو نماد مظلومیت و بی‌آزاری است و با این استعاره بیشتر مظلومیت امام را نشان داده است:

این آهوی حرم که تن پاره پاره‌اش / در خون کشیده دامن صحرا، حسین توست
(همان: ۱۶۴ تا ۱۶۵/۵۸)

همچنین صباحی صحبت حضرت زینب (س) را با مادرش حضرت زهرا (س) به زیبایی به تصویر کشیده و اوج این مظلومیت را این‌گونه به نمایش می‌گذارد:

کای بانوی بهشت، بیا حال ما ببین / ما را به صد هزار بلا مبتلا بین
(همان: ۱۶۵/۶۶ تا ۶۸) در بیت زیر حضرت زینب (س)، از شدت مصائب واقعه کربلا، با اشاره به آیه مبارکه «هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ» (یس: ۵۲/۳۶) به شور قیامت تعبیر کرده‌اند؛ به همین دلیل می‌خواهند که کسی منتظر روز محشر نباشد، زیرا این حوادث هولناک تر از حوادث روز محشر است:
در انتظار وعده محشر چه مانده‌ای؟ / بگذر به ما و شور قیامت به پا بین
(همان: ۶۶)

۲-۴-۴-سوگواری پدیده‌های طبیعی

شهادت امام حسین (ع) به اندازه‌ای عظیم بود که نه تنها انبیا و اهل بیت (ع) آن حضرت به عزاداری پرداختند، بلکه افلاک و پدیده‌های طبیعی نیز نتوانستند ساکت بمانند و گریان و عزادار شدند و هر کدام به نوعی احساس درونی خود را نسبت به

این واقعه نشان دادند. بر سر نیزه رفتن سر امام(ع) به اندازه‌ای غم‌انگیز است که آسمان با دیدن این صحنه خورشید را به نشانه‌ی ناراحتی پایین می‌اندازد: شد بر سنان چو سر شاه تاجدار / افکند آسمان به زمین تاج زرنگار (همان: ۱۶۳ / ۴۲)

۲-۴-۵- سوگواری پیامبر(ص) و حضرت علی(ع) و حضرت زهرا(س)

مِيتٌ تَبْكِي لَهٗ فَاطِمَةُ وَاَبُوها وَعَلِيٌّ ذُو الْعَلِي

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۳۶/۴۳)

(او شهیدی است که فاطمه و پدر فاطمه و علی والا مقام برای او گریه می‌کنند). شریف رضی شدت مصیبت را تا حدی می‌داند که اگر بعد از این حادثه پیامبر(ص) زنده شود برای آن حضرت عزاداری بر پا می‌کند: لَوْ رَسُوْلُ اللَّهِ يَحْيَا بَعْدَهُ / قَعْدَ الْيَوْمِ عَلَيْهِ لِلْعَزَا (همان/ ۳۷)

(اگر پیامبر خدا پس از وی زنده می‌شد، امروز برای او به سوگ می‌نشست). در واقع در این بیت، با به کارگیری ابزار «لو» به تأثر پیامبر از این واقعه و اسارت آنان حالت امتناعی داده است.

۲-۴-۶- سوگواری مردم

قَدْ مَضَى الدَّهْرُ وَعَفَى بَعْدَكُمْ / لَا الْجَوَى بَاخٌ، وَلَا الدَّمْعُ رَقَا

(همان: ۴۴ / ۴۸)

در این بیت شریف رضی به عزاداری و گریه مردم عادی اشاره دارد که با گذشت زمان غم و اندوه واقعه کربلا، کاسته نمی‌شود و پیوسته اشک از دیدگان جاری می‌شود.

۲-۴-۵- علم امام حسین(ع)

طبق روایات، اهلیت (ع) وارث علوم پیامبر اکرم (ص) و پیامبر (ص) نیز وارث علوم تمامی انبیای گذشته است. به مقتضای این روایات، امام حسین (ع) وارث علوم تمامی انبیا و پیامبر اکرم (ص) است. علم امام حسین (ع) علمی بود که از نزد حضرت حق، آن عالم کل، به ایشان ارزانی شده که به آن «علم لدنی» گفته می‌شود. صباحی از این مضمون نیز غافل نبود و در یکی از ابیاتش به این مسئله اشاره کرده است:

آن سینه‌ای که مخزن علم رسول بود/ از شست کین نشانه تیر جفا ببین

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۷۰/۱۶۵)

۲-۴-۶-محرم

محرم ماه غم و اندوه است، ماهی که با آمدن آن اندوه بر تمامی موجودات سایه می‌افکند، امام رضا (ع) فرمودند: محرم، ماهی است که مردم جاهلیت، جنگ در آن ماه را حرام می‌دانستند، اما خون‌ها در آن ماه حلال شمرده شد و حرمت‌ها هتک شد و فرزندان و زنان اسیر شدند. آنگاه فرمودند: چون ماه محرم می‌شد، پدرم را خندان نمی‌دیدند، تا ده روز می‌گذشت و چون روز دهم می‌شد، آن روز، روز مصیبت و اندوه و گریه او بود و می‌گفت: این روزی است که حسین (ع) در آن روز کشته شد (ربانی خلخالی، ۱۳۷۹: ۳۱۸). صباحی حلول ماه محرم و تأثیر آن را بر افلاک، این گونه به تصویر می‌کشد:

گفتم محرم است و نمود از شفق هلال/ چون ناخنی که غمزده آلایدش به خون// یا گوشواره‌ای که سپهرش ز گوش عرش/ هر ساله در عزای شه دین کند برون// یا ساغری است پیش لب آورده آفتاب/ بر یاد شاه تشنه لبان کرده سرنگون

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۸۱/۱۶۱ تا ۸۲)

۲-۴-۷-مقام و منزلت امام حسین (ع)

صبحاحی برای برجسته کردن شأن و منزلت امام حسین(ع)، از مقام و منزلت آن حضرت (ع) سخن می گوید:

آن گلبنی که از دم روح الامین شکفت / خشک از سموم بادیۀ کربلا بین // آن گردنی که داشت حمایل ز دست تو / چون بسملش بریده تیر جفا بین

(همان: ۷۰ و ۶۹/۱۶۵)

گفتا یکی از محفلیان، شرمی ای یزید // می زد همیشه بوسه برین لب، شه انام

(همان: ۹۶/۱۶۷)

همچنین او برای برجسته تر نشان دادن این عظمت و بزرگی، از استعاره های فراوانی در بخش های مختلف ابیاتش استفاده کرده است، از جمله به این موارد می توان اشاره کرد:

این مهر منکسف که غبار مصیبتش

این لاله گون عمامه که در خلد بهر او

(همان / ۶۲ و ۶۴)

شریف رضی امام حسین(ع) را ستون های دین و پرچم های هدایت می داند، که شبیه این سخن پیامبر(ص) است که فرمودند: «إِنَّ الْحَسِينَ مَصْبَاحُ الْهُدَى وَ سَفِينَةُ النَّجَاحِ»:

يَا قَتِيلًا قَوَّضَ الدَّهْرُ بِهِ / عُمَدَ الدِّينِ وَ أَعْلَامَ الْهُدَى

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۲۳/۴۳)

(ای کشته ای که روزگار با (کشتن) او ستون های دین و نشانه های راهنمایی را ویران کرد.)

در بیتی دیگر، او به جایگاه والای امام(ع) به عنوان پنجمین فرد از آل عبا، اشاره می کند:

قَتَلُوهُ بَعْدَ عِلْمٍ مِنْهُمْ / أَنَّهُ خَامِسُ أَصْحَابِ الْكِسَا

(همان؛ بیت ۲۴)

(او را کشتند پس از آگاهی داشتن به این که او پنجمین اهل کسا است.)

در بیت زیر، شاعر برای نشان دادن جایگاه والای خاندان پیامبر(ص)، آن‌ها را از

نظر رأفت مقام و جایگاه والا و دست نیافتنی، به کوه و ماه تشبیه کرده است:

يَا جِبَالِ الْمَجْدِ عِزًّا وَ عَلِيٍّ / وَ بُدُورِ الْأَرْضِ نُورًا وَ سِنًا

(همان: ۴۴/۴۵)

(ای کوه‌های شکوه در ارجمندی و بزرگواری و ای ماه‌های زمین در پرتوافشانی

و بلند جایگاهی.)

۲-۴-۸- بی حرمتی به اهل بیت پیامبر(ص)

صباحی برای نشان دادن نهایت قباح و زشتی کاری که این افراد در کربلا

مرتکب آن شدند، در بند چهارم، ۱۲ بار کلمه‌ی نبی را تکرار می‌کند تا یادآور شود

که این افراد با این کارشان در حقیقت به پیامبر(ص) بی حرمتی کردند:

منسوخ شد مگر به جهان ملّت نبی؟ / یا در جهان نماند کس از امت نبی؟ // یارب

تو آگهی که رعایت کسی نکرد / در حقّ اهل بیت نبی، حرمت نبی // این ظلم را

جواب چه گویند روز حشر؟ / بر کوفیان تمام بود حجّت نبی

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۲/۲۶ تا ۳۲)

در ابیات آغازین این قصیده، شریف رضی اوّلین بی‌اعتنایی به امام حسین(ع) و

اهل بیت ایشان را زمانی می‌داند که کوفیان خود، امام را دعوت به کوفه کردند،

ولی با آمدن ایشان به کوفه هیچ تدارکی برای استقبال و دیدار از آن‌ها فراهم

نکردند و به جای پذیرایی از آنان، خوانی پر از جام‌های شهادت را برایشان مهیا

ساختند:

وَضِيُوفٍ لِفَلَاةٍ قَفْرَةٍ / نَزَّلُوا فِيهَا عَلِيَّ غَيْرِ قَرِي

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۵/۴۲)

(و چه بسا مهمانانی که بی هیچ سوری در بیابانی خشک و بی آب و گیاه فرود آمدند.)
 سپس او، با به یاد آوردن وقایع روز عاشورا و کشتار بی رحمانه خاندان آن حضرت
 به ستوه آمده، بی حرمتی‌ها را فریاد می‌زند و برای زیبایی بیشتر بیت و تأثیر گذاری
 آن از تشبیه بلیغ به شکل مفعول مطلق استفاده کرده است:
 جَزَرُوا جَزَرَ الْأَضْحَى نَسْلَهُ ثُمَّ سَأَقُوا أَهْلَهُ سَوْقَ الْإِمَاءِ // مُعْجَلَاتٍ لَا يُؤَارِنَ
 ضحی / سنن الوجه أو بیض الطلی (همان / ۱۸ و ۱۹)

(فرزندانش را همانند گوسفند سر بریدند و خانواده‌اش را مانند کنیزکان (به اسارت)
 بردند؛ در حالی که با عجله حرکت داده می‌شدند و گونه‌ها یا سفیدی گردن‌هایشان
 را از آفتاب سوزان پنهان نمی‌کردند.)

از دیگر نمونه‌های این پرده‌داری‌ها این بود که روسری و حجاب را از سر زنان
 بیرون کشیدند و این زنان از شدت حیا، خود را در زیر تکه پارچه‌ای از نگاه نامحرم
 پنهان می‌کردند:

بی شرم امتی که نترسیده از خدا/ بر عترت پیمبر خود پرده در شدند// از اندیشه
 نظاره بیگانه، پرده پوش / از پاره معجری به سر یکدگر شدند

(صباحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۶/۸۵ و ۸۶)

يَوْمَ لَا كِسْرَ حِجَابٍ مَانِعٍ / بَدَلُهُ الْعَيْنِ وَ لَا ظِلَّ حِجَابٍ

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۲۱/۴۲)

در روزی که نه دامنه پرده‌ای و پوششی بود تا از نمایان شدن زنان (در چشم
 بیگانگان) جلوگیری کند و نه سایه چادری.

۲-۴-۸-۱- سوزاندن خیمه‌ها

از جمله دردناک‌ترین وقایعی که در روز عاشورا، بعد از به شهادت رساندن
 امام (ع) مرتکب آن شدند، به آتش کشاندن خیمه‌ها بود:

از خیمه‌ها ز آتش بیداد خصم رفت / چون از درون خیمگیان بر فلک شرار

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۴۴/۱۶۳)

در مرثیه‌ی مورد نظر، شریف رضی به جریان سوزاندن خیمه‌ها و به غارت بردن پیراهن امام (ع) اشاره‌ای نکرده است.

۲-۴-۸-۲- به غارت بردن پیراهن امام (ع)

این هتک حرمت‌ها زمانی به اوج می‌رسد که این افراد، پیراهن تن امام (ع) را نیز

به غارت می‌برند:

عریان تن حسین و به تاراج داد چرخ / پیراهنی که فاطمه‌اش رشت، بود و تار

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۴۵/۱۶۳)

۲-۴-۸-۳- عدم غسل و تکفین امام حسین (ع)

از وقایعی که دلالت بر مظلومیت امام (ع) و قساوت قلب سپاه یزید دارد، دفن کردن امام بدون غسل و کفن است که این موضوع دست‌مایه بسیاری از اشعار شده است:

عریان چراست این تن بی‌سر، مگر بود / بر کشتگان آل پیمبر کفن دریغ

(همان: ۷۵/۱۶۵)

شریف رضی بی‌کفن بودن امام (ع) را با پیکر پر از تیر و نیزه ایشان را با هم به تصویر می‌کشد: و صریحاً عالج الموت بلا / شد لحیین و لا مد ردی // عَسَلَوْهُ بِدَمِ الطَّعْنِ، وَ مَا كَفَّنُوهُ غَيْرَ بَوْعَاءِ الثَّرَى

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۲۵/۴۳ و ۲۶)

(ای بر خاک افتاده‌ای که بی‌غسل و بی‌کفن، با مرگ درگیر شد. او را با خون

(روان از) زخم نیزه غسل دادند و کفن نپوشانیدند.)

۲-۴-۸-۴- ظلم‌های پی در پی بر اهل بیت امام (ع)

دست از جفا نداشته بر زخم اهل بیت / هر دم نمک‌فشان به جفای دگر

شدند // خود بانای مخالفت و آل مصطفی / در پیش تیر طعنه ایشان سپر شدند

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۸۷/۱۶۶)

۲-۴-۸-۵-بی حرمتی به سر مبارک امام حسین(ع)

پس از به شهادت رسانیدن امام(ع) و غارت لباس‌های ایشان و سپس دفن کردن ایشان بدون غسل و کفن، به این جنایات قانع نشدند و سر مبارک ایشان را از تن شان جدا کردند و هر کس به نوعی به این سر مبارک اهانت می‌کرد؛ صباحی مجلس یزید را برای نشان دادن این صحنه به تصویر کشیده است:

دادند بر یزید چو عرض سر سران / پرسید ازین میانه حسین علی کدام؟ // بردند پیش او سر سالار دهر را / می‌زد به چوب بر لبش و می‌کشید جام // گفتا یکی از محفلیان شرمی ای یزید / می‌زد همیشه بوسه برین لب، شه انام (همان: ۱۶۷/۹۴ تا ۹۶)

شریف رضی نیز عمل ناشایست سپاهیان را در مقابل سر مبارک، این گونه نشان می‌دهد: حَمَلُوا رَأْسًا يُصَلُّونَ عَلَيَّ / جَدَّةُ الْأَكْرَمِ طَوْعًا وَ أْبًا // يَتَهَادَى بَيْنَهُمْ لَمْ يَنْقُضُوا / عَمَمَ الْهَامِ وَ لَا حَلُّوا الْحَبِي (شریف رضی، ۱۳۶۴: ۳۶/۴۳)

(سر مبارک امام(ع) را به یکدیگر پیشکش می‌کردند، بی‌آنکه به احترام آن دستار از سر برگیرند و یا جامه پیچیده بر تن را بگشایند و برخیزند.)

۲-۴-۹-عظمت و بزرگی مصیبت

صباحی، بزرگی مصیبت را به اندازه‌ای می‌داند که کسی توانایی شنیدن آن را ندارد ولی با این اوصاف، اهل بیت(ع) از نزدیک شاهد این وقایع بودند:

افسانه‌ای که کس نتواند شنیدنش / یا رب بر اهل بیت چه آمد ز دیدنش؟

(صباحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۷/۱۶۱)

شریف رضی، مصائبی را که با آن روبه‌رو شده‌اند، بازگو می‌کند و می‌گوید که اگر پیامبر(ص) آن‌ها را با آن وضعیت مشاهده می‌کرد، دچار غم و اندوه می‌شد: یا

رسول الله لو عاينتهم / و هم ما بين قتلى و سبا // لكرأت عينا كمنهم منظرًا / للحشى
شجوا و للعين قدى

(شريف رضى، ۱۳۶۴: ۱۰/۴۲ تا ۱۵)

(ای پیامبر خدا! اگر آنان را بنگری که برخی کشته و برخی به اسارت برده شده-
اند، دیدگانت از آنها چشم اندازی را خواهد دید که اندوه دل و خار چشم است.)
شاعر معتقد است که این مصیبت به اندازه‌ای سخت و بزرگ است که به هیچ وجه
فراموش شدنی نیست و این سوز و گداز با گذشت روزگار، کم نمی‌شود:

لا أرى حزنكم يُسسى، ولا / رزءكم يُسلى، وإن طال المدى

(همان: ۴۴/۴۷)

(اندوه و پیشامد ناگوار شما را نمی‌بینم که فراموش شود، اگر چه پایان روزگار
به درازا کشد.)

۲-۴-۱۰- مؤاخذه قاتلان

۲-۴-۱۰-۱- مؤاخذه از سوی خداوند

صبحی به اندازه‌ای از این مصائب دچار ترس و وحشت می‌شود که بند سیزدهم
را اختصاص می‌دهد به مجازاتی که خداوند و انبیا برای بانیان این حادثه در نظر می-
گیرند:

ترسم دمی که پرسش این ماجرا شود / دامان رحمت از کف مردم رها شود

(صبحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۷/۹۸)

۲-۴-۱۰-۲- مؤاخذه از سوی انبیا

ترسم که در شفاعت امت به روز حشر / خاموش از این گناه، لب انبیا شود

(همان / ۹۹)

۲-۴-۱۰-۲-۱- مؤاخذه از سوی حضرت زهرا(س)

فریاد از آن زمان که ز بیداد کوفیان / هنگام دادخواهی خیر النساء شود

(صبحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۶۸/۱۰۲)

۲-۴-۱۰-۲-۲- مؤاخذه از سوی پیامبر(ص)

باشد که راز داور محشر امید عفو / چون دادخواه، شافع روز جزا شود؟

(همان/۱۰۳)

در یکی از ابیات، شاعر با استفهامی در قالب تمنی، خواستار مجازات قاتلان امام حسین(ع) است؛ آن هم مجازاتی که تمام زمین سرنگون شود و از آسمان سنگ- باران شوند:

كَيْفَ لَمْ يَسْتَعْجِلِ اللَّهُ لَهُمْ / بِانْقِلَابِ الْأَرْضِ أَوْ رَجْمِ السَّمَاءِ؟

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۳۱/۴۳)

(چگونه خدا برای ستمکاران، واژگون شدن زمین یا سنگ باران آسمان را پیش نيفکنند؟)

۲-۴-۱۰-۲-۳- مؤاخذه از سوی امام حسین(ع)

آه از دمی که سرور لب تشنگان، حسین سرگرم شکوه با سر از تن جدا شود

(صباحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱۰۱/۱۶۷)

در قصیده شریف رضی نیز شاهد شکایت و مؤاخذه امام حسین(ع) از قاتلان در نزد خداوند هستیم، ولی پیش از این مؤاخذه، شاهد سرزنش دشمنان از سوی شاعر هستیم:

أَيْنَ عَنكُمْ لِلذِّى يَبْغَى بَكْمَ / ظَلَّ عَدْنُ دُونَهَا حَرَّ لَظَى // أَيْنَ عَنكُمْ لِمَضَلِّ
طَالِبِ / وَضَحَ السَّبِيلِ وَاقْمَارِ الدَّجَى // أَيْنَ عَنكُمْ لِلذِّى يَرْجُو بَكْمَ / مَعَ رَسُولِ اللَّهِ
فَوْزًا وَنَجَا (همان: ۴۵ / ۵۱ تا ۵۳)

(شما کجا و کسی که به واسطه شما، سایه بهشت جاودانه و دور از گرمای سوزان را طلب می کند، کجا؟/ شما کجا و آن گمراه کننده ای که به دنبال راه های روشن و ماه های تاریکی (برای یافتن راه است) کجا؟/ شما کجا و کسی که به واسطه شما و پیامبر خدا، امید به رستگاری و نجات دارد، کجا؟)

پس از این سرزنش و تحقیر، مؤاخذه امام حسین (ع) و درد و دل ایشان با خداوند را این گونه به تصویر می کشد:

یوم یغدو وجهه عن معشر / مُعْرِضاً مُمْتَنِعاً عِنْدَ اللَّقَا // شاکیا منهم الی الله و هل /
 یُفْلِحُ الْجِبِلُّ الَّذِی مِنْهُ شِکَا // رَبِّ مَا حَامَوْا وَلَا آوَوْا وَلَا نَصَرُوا أَهْلِی وَلَا أَغْنَوْا غَنَا //
 بَدَلُوا دِیْنِی وَ نَالُوا أُسْرَتِی / بِالْعَظِیْمَاتِ وَ لَمْ یَرْعَوْا أَلِی // قَاتِمُ الشَّرْکِ لِأَبْتِی
 وَرَعَى / نَقَضُوا عَهْدِی، وَ قَدْ أْبْرَمْتُهُ / وَ عُرِی الدِّیْنِ، فَمَا أَبْقَوْا عُرِی // حرمی
 مستردفات و بنو / بِنْتِی الْأَذْنُونَ ذَبِحُوا لِلْعَدِی // اتری لست لیدیهم کامری / خلفوه
 بجمیل اذ مضی // رَبِّ ! إِنْی الْیَوْمَ خَصَمْتُ لَهُمْ / جئت مظلوما و ذا یوم القضا

(شریف رضی، ۱۳۶۴: ۴۵)

(روزی که او (امام حسین ع) در هنگام دیدار (روز قیامت) از گروهی روی-گردان و از شفاعت آنها خودداری می نماید. // در حالی که از آنان به پیشگاه خداوند شکایت می نماید، آیا کسی که ائمه از او شکایت کنند، رستگار می شوند؟
 خدایا آنان از ما حمایت نکردند و به ما پناه ندادند و اهل بیت مرا یاری نکردند و با کمک خود آنان را بی نیاز نمودند! // خدایا دین مرا تحریف و دگرگون کردند و خانواده ام را به مصیبت های بزرگ مبتلا نمودند و حق نعمت ها و نیکی هایم را رعایت نکردند. // اگر آنچه با اهل بیت من کردند با سردسته و رئیس کافران می-کردند، با تقوی و پرهیزگاری سازگارتر بود. // خدایا در حالی که من عهد و پیمان خود را با آنان محکم و مطمئن نموده بودم، عهد و پیمان را شکستند و همچنین ریسمان ها و پیوندهای دین را بریدند و هیچ پیوندی باقی نگذاشتند. // اهل حرم من (زنان) ناتوان و ضعیف نگه داشته شدند و نوه های خردسال دختری من کشته و قربانی شده دشمنان هستند. // آیا اگر امامشان نبودم، دست کم همانند فردی از خودشان نبودم که وقتی از دنیا می رود با خاندانش به نیکی رفتار می نمایند؟ // خدایا! امروز دشمن آنان هستم، در حالی که ستم دیده هستم به نزد تو آمده ام و اکنون روز قضاوت و داوری تو است.)

۲-۵- مضامین متفاوت در مرثیه دو شاعر

با وجودی که این دو مرثیه دارای شباهت‌های فراوانی هستند، اما در بعضی از قسمت‌ها با تفاوت‌هایی مواجه می‌شویم که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود:

۲-۵-۱- شریف رضی مرثیه خود را با نفرین آغاز می‌کند و از همان ابتدای قصیده خواستار رنج و اندوه همیشگی برای سرزمین کربلا است:

کربلا لازلت کرباً و بلا/ ما لقی عندک آل المصطفی (شریف رضی، ۱۳۶۴: ۲۳)

(ای سرزمین کربلا! پیوسته در غم و رنج باقی بمانی، به خاطر آن چه که (مصائبی که) خاندان پیامبر (ص) در نزد تو با آن مواجه شدند.)

این در حالی است که صباحی شعرش را با ابیاتی شروع می‌کند که به خاطر هولناکی، روز قیامت و رستاخیز را یادآور می‌شود:

افتاد شامگه به کنار افق نگون/ خور، چون سر بریده از این تشت واژگون
افگند چرخ، مغفر زرین و از شفق/ در خون کشید دامن خفتان نیلگون

(صبحاحی بیدگلی، ۱۳۶۵: ۱/۱۶۰ و ۲)

۲-۵-۲- صباحی در ترکیب بند خود به سوزاندن خیمه‌ها و به غارت بردن پیراهن امام حسین (ع) اشاره کرده است؛ (نک: شماره ۳-۸-۲) در حالی که شریف رضی در قصیده‌اش به این دو مسئله اشاره نکرده است.

۲-۵-۳- صباحی مصیبت را آنقدر دردناک و غم‌انگیز می‌داند که حتی پدیده‌های طبیعی هم به خاطر آن چه که بر امام حسین (ع) گذشته، عزاداری می‌کنند. (نک: شماره ۳-۴-۴) ولی این مضمون در اشعار شریف رضی دیده نمی‌شود.

۲-۵-۴- در مرثیه صباحی، به سوگواری و عزاداری حضرت زینب (س) اشاره می‌شود (نک: شماره ۳-۴-۳) در حالی که شریف رضی به این مسئله اشاره نکرده است.

۲-۵-۵- یکی از نکات ظریفی که صباحی به زیبایی در اشعارش به آن اشاره کرده ولی از نگاه شریف رضی غافل مانده، توصیف "ماه محرم" به عنوان ماهی مملو از غم و اندوه است (نک: شماره ۳-۶).

۳- نتیجه

۱- عظمت شهادت امام حسین (ع)، تمام جهان هستی و تمام افراد را فرا گرفته است و با وجودی که این حادثه در محیط عربی رخ داده، شاعرانی از دیگر سرزمین‌ها به انعکاس این حادثه پرداخته‌اند.

۲- "صبحی بیدگلی" و "شریف رضی" هردو مضامین یکسانی چون: اسارت، تشنگی، روزگار، منزلت امام حسین (ع) و سوگواری را در مرثیه خود بکار برده‌اند. نکته قابل ذکر اینکه هر دو شاعر فقط به بیان مظلومیت امام (ع) پرداخته‌اند و اشاره‌ای به هدف امام حسین (ع) از قیامشان که «امر به معروف و نهی از منکر و برپا داشتن نماز» بود، و نیز خطبه حضرت زینب (س) و نقش پیام رسانی ایشان، اشاره‌ای نکرده‌اند.

۳- هر دو شاعر به تفصیل مؤاخذه قاتلان واقعۀ کربلا و هتک حرمت کنندگان را از سوی خداوند، پیامبر (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت زهرا (س) و امام حسین (ع) به تصویر کشیده‌اند.

۴- هر دو شاعر ماهرانه، صنایع بلاغی را به کار گرفته‌اند و واژگانی را انتخاب کرده‌اند که دارای تأثیرگذاری بیشتری بر روی مخاطب باشد.

منابع

۱- قرآن کریم

۲- اژدر فایقی، سعیده (۱۳۸۹) «دعبل و محتشم، سرآمد مرثیه

سرایان»، مجله کیهان فرهنگی، شماره ۲۸۸ و ۲۸۹، صص ۵۴ تا ۵۹.

- ۳- امامی، نصرالله (۱۳۶۹) مرثیه سرایی در ادبیات فارسی ایران، تهران: دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- ۴- بیضایی، پرتو (۱۳۳۸) دیوان صباحی بیدگلی، به اهتمام عباس کی منش، تهران: زوآر.
- ۵- ربّانی خلخالی، علی (۱۴۱۱) عزاداری از دیدگاه مرجعیت شیعه، چاپ پنجم، قم: مؤلف.
- ۶- سبحانی، جعفر (۱۳۶۱) سرنوشت از دیدگاه علم و فلسفه، قم: توحید.
- ۷- شریف رضی، ابو الحسن محمد بن الحسین (۱۳۶۴) دیوان، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- صباحی بیدگلی، سلیمان (۱۳۶۵) دیوان، تهران: ما.
- ۹- عباس، احسان (۱۹۵۹) الشریف الرضی، بیروت: دار بیروت و دار صادر.
- ۱۰- فاخوری، حنا (۱۳۸۵) تاریخ الادب العربی، تهران: توس.
- ۱۱- فروخ، عمر (۲۰۰۶) تاریخ الادب العربی، بیروت: دار العلم للملایین.
- ۱۲- لطف، یوسف (۱۳۸۸) «بررسی مقایسه‌ای مضامین مرثیه در دیوان شریف رضی و محتشم کاشانی»، مجله ادبیات تطبیقی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۱۸۷ تا ۲۱۲.
- ۱۳- مبارک، زکی (۱۹۳۸) عبقریه الشریف الرضی، بغداد: مطبعة الجزيرة.
- ۱۴- لنگرودی، آل بویه و نرگس انصاری (۱۳۸۹) «سیمای امام حسین (ع) در شعر عاشورایی معاصر فارسی و عربی»، مجله ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۳، صص ۱۶ تا ۳۵.

- ۱۵- محسنی نیا، ناصر و آرزو یزدان پناه کرمانی (۱۳۸۸) «مرثیه سرایی در ادب فارسی و عربی با تکیه بر مقایسه ابوالحسن تهامی و مرثیه خاقانی شروانی»، مجله ادبیات تطبیقی، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۷۵ تا ۱۹۳.
- ۱۶- یوسف نورالدین، نورالدین (۱۹۵۶) الشعراء الثلاثة (المتنبی، المعری، الشریف الرضی)، بیروت: مطبعة الانصاف.

